

Methodology of the Study of Deviant Movements in the Realm of Mahdism

Ali Mohammadi Hoshyar ¹

Abstract

The methodology of studying deviant movements in the field of Mahdism explores the approach to studying these movements through the lens of the science of social flow (Jaryan-Shenasi). One of the undeniable realities of contemporary society is the presence of deviant movements within the domain of Mahdism, which necessitate academic scrutiny. This paper aims to provide a methodology, presented as a scholarly model, to assist the researcher in identifying and analyzing these movements. According to the proposed model, the researcher is introduced to the hidden layers of causes and consequences associated with these movements and is able to offer a thorough evaluation. The model presented in this study utilizes a layered analysis of causes and trends and draws upon a futurist impact analysis approach. This method allows the researcher to examine the phenomenon from multiple angles, designing relevant questions to address, and ultimately providing a final assessment after answering these questions.

The key pillars in the methodology of studying these movements include: identifying the movement (Jaryan-Yabi), evaluating the general direction of the movement, causal analysis using three perspectives: the causes of origin, expansion, and orientation, and trend analysis, which consists of two stages: the analysis of the movement's trends and the analysis of its future impact.

Keywords: method, flow, flowology, Mahdoit, cause, analysis.

1. Researcher and Member of the Flow Studies Group, Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (al.mohammadi@isca.ac.ir)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و سوم / پائیز ۱۴۰۲

روش‌مندی جریان‌شناسی انحراف در عرصه مهدویت*

علی محمدی هوشیار^۱

چکیده

روش‌مندی جریان‌شناسی جریان‌های انحرافی مهدویت، درباره روش جریان‌شناسی، در مقام ارائه مدل و الگو بحث کرده است. یکی از واقعیت‌های عینی جامعه، وجود جریان‌های انحرافی در عرصه مهدویت است که باید مورد مطالعه قرار گیرند. این نوشتار با هدف ارائه روش، به مثابه الگوی مطالعاتی؛ جریان‌شناس را در جریان‌یابی و جریان‌شناسی یاری می‌کند. طبق این مدل؛ جریان‌شناس با لایه‌های پنهان علت‌ها و روند معلول‌ها آشنا شده و ارزیابی دقیقی از جریان خواهد داشت. الگوی ارائه شده در این پژوهش؛ با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و با بهره از روش تحلیل تأثیر روند در آینده‌پژوهی است. این روش به جریان‌شناس، توان آن را می‌دهد که از زوایای مختلف به طراحی سؤال بپردازد و پس از پاسخ‌یابی برای سؤالات، ارزیابی نهایی را انجام دهد. ارکان اصلی در روش‌مندی جریان‌شناسی عبارتند از: جریان‌یابی، ارزیابی جهت کلی جریان، علت‌یابی با سه رویکرد: علل پیدایش، گسترش و گرایش، روندپژوهی با دو مرحله تحلیل روند جریان و تحلیل تأثیر بر روند.

واژگان کلیدی

روش، جریان، جریان‌شناسی، مهدویت، علت، تحلیل.

مقدمه

جریان‌شناسی به مثابه دانشی میان‌رشته‌ای، مورد توجه برخی پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته و اهمیت و کاربرد آن در تمامی ساحت‌های علم و اندیشه قابل مشاهده است. شناخت جریان‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی؛ هر کدام نیازمند فرمول و روش‌هایی است تا با استفاده از آن، درصد خطا در نتیجه‌گیری به کمترین مقدار خود کاهش یافته و جریان‌شناس را در روند جریان‌شناسی یاری کند.

آنچه در ابتدا مورد توجه است، تفاوت بین روش‌شناسی به مثابه روش شناخت علم با روش اجراست. آنچه اتفاق می‌افتد، روش‌شناسی جریان‌شناسی نیست، بلکه روش تحقیق علمی در

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۷

۱. پژوهشگر و عضو گروه جریان‌شناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (al.mohammadi@isra.ac.ir).

مقوله جریان‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد. در معنایی کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۲۴).

چگونگی جریان‌شناسی مدعیان مهدویت، سؤال اصلی این نوشتار است تا با تکیه بر اصول و فنون مورد نیاز؛ علل پیدایش، علل گسترش، روش‌های جذب، اهداف اصلی و فرعی جریان را شناسایی نموده و در خصوص آینده جریان مدنظر ارزیابی‌های لازم را داشته باشد. طبق این بیان؛ هدف تبیین روش‌مندی جریان‌شناسی، صرفاً بیان تاریخچه جریان و تحلیل محتوا و تشخیص درصد انحراف جریان نیست.

با مروری بر نوشتارهای مرتبط و بررسی پیشینه این تحقیق، پژوهش مستقلی با این عنوان یافت نشد اما برخی پژوهش‌ها با تبیین تاریخچه و تحلیل محتوا، بخش کوچکی از روش‌های مدنظر را اعمال نموده‌اند. نوشتار حاضر در تلاش است تا به صورت کاملاً متمایز، به روش‌مندی جریان‌شناسی بپردازد.

در بخش بعدی؛ پس از تبیین روش‌ها، روش‌مندی جریان‌شناسی، با تکیه بر جریان‌های انحرافی مهدویت مورد تطابق قرار خواهد گرفت تا براساس بررسی‌های انجام شده، بخش پایانی مقاله را به یافته‌های این تحقیق، اختصاص دهیم.

جریان

جریان در معنای مصدری خود به حرکت منظم و دقیق در طول مسیر اطلاق می‌شود. البته کتب لغوی در تعریف جریان به حرکت منظم و دقیق اکتفاء نکرده و تغییر مکان و امکان تغییر راهبر جریان را نیز مدنظر قرار داده است. از این رو کنیز را به خاطر جریان ولایتش در موالیان متعدد، جاریه نامیده‌اند. سوی دیگر معنای جریان در لغت، نداشتن ثبات است که به محض رسیدن به ثبات، از آن به مکتب یاد می‌شود، مانند تعبیر جریان شعری در برابر مکاتب شعری (طاهری، پورنامداریان، ۱۳۸۵). در خصوص تعریف اصطلاحی جریان نیز تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. عموماً در تعریف جریان آورده‌اند:

تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که افزون بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار باشد (خسروپناه، ۱۳۸۸ش: ۹).

عموم تعریف‌های ارائه شده؛ متناظر بر یک پدیده اجتماعی در قالب تشکل و گروه است اما با ملاحظه معنای لغوی جریان و با بررسی تحقق خارجی جریان، آنچه می‌تواند پایه تعریف و تبیین جریان را تشکیل دهد؛ واژه حرکت است. در باور نگارنده، تعریف جریان عبارت است از: جریان؛ حرکتی مستمر و ایدئولوژیک و ساختارمند است که در بستر اجتماعی متولد می‌شود و با استفاده از ابزارهای متناسب، تحقق اهداف از پیش تعیین شده را دنبال می‌کند (محمدی هوشیار، ۱۴۰۲ش: ۴۶).

جریان‌شناسی

متغیر تعریف جریان‌شناسی، تعریف جریان است و برای آن تعریف واحدی وجود ندارد. لذا به تعداد تعریف ارائه شده از جریان، تعریف جریان‌شناسی وجود دارد. برخی از پژوهشگران با در نظر گرفتن این مسئله؛ تعریف جریان و جریان‌شناسی را در یک عبارت آورده‌اند. به عنوان نمونه در یکی از تعاریف مورد نظر آمده است:

مقومات جریان عبارتند از: ۱. ساختار سیستم؛ ۲. هویت اجتماعی؛ ۳. نظام مشترک معنایی؛ ۴. پویایی؛ ۵. جمعیت؛ ۶. مدیریت و رهبری؛ ۷. اثرگذاری. این ارکان با یکدیگر در ارتباط هستند و جریان را به صورت یک سیستم شکل می‌دهند که از میان این ارکان، نظام مشترک معنایی رکن محوری جریان است. با توجه به سیستمی‌انگاری هویت جریان، جریان‌شناسی عبارت است از شناخت این سیستم. شناخت این سیستم نیز بر فهم تک تک اجزاء و ارکان آن و همچنین، فهم ارتباط دو سویه میان اجزاء و ارکان آن متوقف است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۹). همچنین در تعریف دیگری از جریان‌شناسی، آشنایی با فرایند شناخت مؤلفه‌های اصلی یک جریان را جریان‌شناسی دانسته‌اند (خسروپناه، ۱۳۸۸ش: ۹). برخی دیگر، تعریف جریان‌شناسی را در قالب بیان فایده ارائه داده و آورده‌اند:

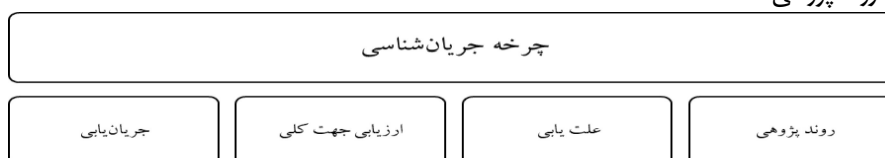
فایده جریان‌شناسی این است که شناخت عمیق بسترهای تاریخی هر جریان فکری و فرهنگی، لازمه ضروری فهم متن‌هایی است که با گذر از پیچ و خم‌های تاریک روزگاران گذشته به دست ما رسیده‌اند و در فضایی متفاوت قرائت می‌شوند (یزدان‌پناه، ۱۳۸۸ش: ۲۵). در باور نگارنده، جریان‌شناسی عبارت است از: «شناسایی حرکت، تشخیص جهت کلی حرکت، تحلیل ایدئولوژی، دستگاه و محرک حرکت و همچنین فهم اهداف و امکان تحقق». فوائد این‌گونه از جریان‌شناسی در مدل‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از فوائد ممکن عبارتند از (پارسانیا، ۱۴۰۰ش: ۱۱):

– امکان طبقه‌بندی و مقایسه اندیشمندان و فهم دقیق‌تر آنان

- مشخص کردن جایگاه فکری و عملی جریان‌ها، در میان سایر جریان‌ها و در نسبت با آنها
- تعیین نسبت جریان‌ها با دین اسلام، انقلاب اسلامی و غرب در ابعاد و سطوح مختلف
- توجه به گستره مکانی و دوره زمانی جریان‌ها
- هشدار نسبت به وضعیت فعلی و آینده براساس نگاه به گذشته و حال
- امکان داوری میان جریان‌ها و گزینش منطقی و عضویت آگاهانه در آنها

چرخه جریان‌شناسی

جریان‌شناسی دارای چرخه منظوم و قاعده‌مندی است که ابتدا براساس پویش محیطی مورد توجه جریان‌شناس قرار می‌گیرد. پویش محیطی از چهار گام یا مرحله اصلی تشکیل شده است: درگام اول؛ حیطه و عمق پویش محیطی مشخص می‌گردد و تعیین حیطه و عمق پویش محیطی با مراجعه به دو عامل، مراجعه به امر واقع و مراجعه به خبرگان قابل پاسخگویی است. درگام دوم؛ منابع دانشی و ابزارهای بهره‌برداری کشف و خلق می‌شوند. این گام، به مثابه پاشنه آشیل پویش محیطی است و بزرگ‌ترین مشکل جریان‌شناسی نیز همین نکته است که گاهی به دلیل گستردگی موضوع پویش، راه‌اندازی یک سیستم اجتماعی-تکنیکی ضرورت خواهد یافت. درگام سوم؛ از منابع دانشی بهره‌برداری می‌شود. پس از شناسایی و خلق منابع دانشی، بهره‌برداری از آنها با استفاده از ابزارهای مختلف امکان‌پذیر می‌شود. و در نهایت در گام چهارم؛ داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و مدیریت مبانی شناختی-هنجاری صورت می‌پذیرد (عطااللهی، ۱۳۹۵: ۷). گام‌های مورد نظر در پویش محیطی در چهار مرحله محقق می‌شود که عبارتند از: ۱. جریان‌یابی؛ ۲. ارزیابی جهت کلی؛ ۳. علت‌یابی؛ ۴. روندپژوهی.



الف) جریان‌یابی

اولین گام در جریان‌شناسی؛ جریان‌یابی است. جریان‌یابی به معنای انحراف‌یابی نیست، بلکه این امر می‌تواند در معنای مثبت کاربرد داشته باشد. طبق تعریف ما از جریان؛ هرگونه حرکت مستمر و ایدئولوژیک و ساختارمند که در بستر اجتماعی متولد شده و با استفاده از ابزارهای متناسب، به دنبال تحقق اهداف از پیش تعیین شده باشد، می‌تواند سوژه مورد نظر

ما باشد. اکنون این سنجه، جریان‌شناس را در جریان‌یابی یاری خواهد کرد تا سوژه‌های متعددی را برای مطالعات خود، پیش رو داشته باشد.

خلط جریان و جریان‌نما یکی از آفت‌های این مرحله است که برخی از جریان‌شناسان را دچار گرفتاری می‌کند. توجه به مسئله عینی می‌تواند به عنوان وجه تمییز جریان از جریان‌نما باشد. مسئله عینی؛ همان واقعیت مسلم، آشکار، رسمی و غیرقابل تردید است که برای همه قابل تشخیص و درک است (مانند آلودگی هوا در تهران). اگر شاخصه‌های جریان؛ مبتنی بر یک مسئله عینی باشد، جریان‌شناس در جریان‌یابی موفق شده است اما در صورتی که شاخصه‌های جریان برون‌داد خاصی نداشته و جریان‌شناس برای نشان دادن آن دچار سختی می‌شود، نشان از آن دارد که گرفتار جریان‌نماها شده است. غالب جریان‌نماها برساخته کانون‌های قدرت است که با هدف ایجاد انحراف اذهان عمومی از فعالیت جریان‌های واقعی در جامعه تولید می‌شوند.

یکی دیگر از فوائد توجه به مسئله عینی در جریان‌یابی؛ تشخیص اولیه منفی یا مثبت بودن جریان است. به عنوان مثال وقتی درباره آلودگی هوای تهران به عنوان مسئله عینی صحبت می‌کنید، مضرات و منفی بودن آن در بدو نظر روشن خواهد بود، لذا در دسته‌بندی اولیه، در گروه آسیب‌ها قرار خواهد گرفت.

مثال دیگر این‌که؛ اگر به مثابه یک مسئله عینی، با اندیشه و طرز فکر خاصی مواجه شدید که به وجود ۲۴ جانشین برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باور دارند، تشخیص اولیه شما در دسته‌بندی این مسئله این خواهد بود که با یک جریان با شاخصه انحرافی مواجه هستید.

ب) ارزیابی جهت کلی

توجه به جهت کلی حرکت در جریان‌ها به جریان‌شناس این امکان را می‌دهد که بین جریان‌های انحرافی اولویت‌بندی کند. گاهی جریان‌شناس بدون توجه به اولویت‌ها، توان و زمان خود را صرف ارزیابی جریان‌هایی می‌کند که اکنون در اولویت نیست و همین امر او را از جریان‌های مهم و خطیر غافل می‌کند. توجه به جهت کلی حرکت در جریان‌ها همانند عکس‌برداری ماهواره‌ای است که نمایی کلی از موقعیت جغرافیایی ساختمان‌های شهر را به نمایش می‌گذارد. عکس‌های ماهواره‌ای به مهندسين شهری این امکان را می‌دهد که در طراحی و مدیریت عمرانی موفق عمل کنند. ملاحظه جهت کلی جریان‌ها، جریان‌شناس را از غرق شدن در جزئیات و غفلت از کلیات نجات می‌دهد. نتیجه توجه به جهت کلی حرکت،

تسلط و آگاهی به نکات و موارد زیر خواهد بود:

- درک قواعد بازی بازیگران و صحنه‌گردان‌های جهانی جریان
- تشخیص اهداف کلان، سیاست و خط مشی جریان
- اطلاع از نظام حساسیت‌ها و نظام اولویت‌های جریان
- کاهش رخدادهای ناگهانی توسط جریان
- تشخیص نقش و جایگاه جریان در جبهه مقابل

ج) علت‌یابی

سومین گام در جریان‌شناسی؛ علت‌یابی است. عموماً علت‌ها در جریان‌ها، در سه گروه پرسش می‌شوند:

- علل پیدایش جریان
- علل گسترش جریان
- علل گرایش به جریان

اگرچه توجه به مسئله عینی در امر جریان‌یابی ایفای نقش می‌نمود، اما به عنوان پایه جریان‌شناسی در تمامی مراحل علت‌یابی حضور دارد. این مرحله از جریان‌شناسی برگرفته از «روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها» (با تغییر و اضافه) انجام می‌شود.

علت‌ها	روش	توضیح روش
علل پیدایش علل گسترش علل گرایش	توصیف مسئله عینی	مسئله عینی؛ همان واقعیت مسلم، آشکار، رسمی و غیرقابل تردید است که برای همه قابل تشخیص و درک است (مانند آلودگی هوا در تهران).
علل پیدایش علل گسترش علل گرایش	تبیین امور اجتماعی	در بررسی علل اجتماعی این پرسش مطرح می‌شود که: اگر مسئله عینی یک واقعیت مسلم، آشکار و رسمی است، لایه‌های زیرین واقعیت اجتماعی چگونه بوده که این مسئله محقق شده است؟ چه زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی باید دخیل باشد تا این‌گونه شود؟
علل پیدایش علل گسترش علل گرایش	توجه به جهان بینی	گفتمان یا جهان‌بینی؛ پشتیبانی‌کننده و مشروعیت‌بخش ساختار جریان‌هاست. طبق این باور، اکنون این سؤال باید مطرح شود که: اگر چنین ساختارها و نهادهایی منجر به این واقعیت اجتماعی شده‌اند، آنها بر مبنای کدام جهان‌بینی شکل گرفته‌اند؟ در این سطح؛ فرض‌های استدلالی که برپایه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها قرار داشته و ناخودآگاه هستند واکاویده می‌شوند.
علل پیدایش علل گسترش علل گرایش	کشف استعاره و اسطوره	استعارات؛ خلق معنا می‌کنند و توجه ما را به برخی شباهت‌های موجود میان دو پدیده جلب می‌کنند. گاهی نیز شباهت جدیدی خلق می‌کنند و از این رو معنای جدیدی به وجود می‌آورند. استعاره از هیچ پدید نیامده است و در حقیقت، در اسطوره‌های ناخودآگاه افراد جای دارند.

علل پیدایش جریان

شاید یکی از مهم‌ترین لایه‌ها در تحلیل علت‌ها، کشف علت پیدایش جریان باشد. این مرحله از جریان‌شناسی باید با دقت مضاعفی انجام شود تا جریان‌شناس را در نتیجه‌گیری دچار خطای محاسباتی نکند. نحوه محاسبه این مرحله در جدول زیر توضیح داده می‌شود:

۱. توصیف مسئله عینی

در بررسی مسئله عینی؛ به جهت شناخت بیشتر و عمیق‌تر مسئله، توصیف مسئله حائز اهمیت است. این توصیف می‌تواند در قالب استخراج سؤال و پاسخ به سؤال باشد:

- تاریخچه پیدایش انجمن حجتیه را بیان کنید؟
- مدعای اعتقادی، سیاسی و جامعه‌شناختی انجمن حجتیه چیست؟
- مفاهیم اصلی تشکیل‌دهنده محتوای مدعای انجمن حجتیه چیست؟
- انجمن حجتیه به حل چه مسئله‌ای اهتمام ویژه دارد؟
- آموزه‌ها و محتوای انجمن حجتیه از چه جریان و اندیشه‌هایی اشراق شده است؟
- پارادایم و گفتمان حاکم بر انجمن حجتیه چیست؟
- انجمن حجتیه از چه روش یا روش‌هایی برای تعریف، توصیف، تفسیر و تبیین خود استفاده کرده است؟

۲. علل اجتماعی

در بررسی علل اجتماعی این پرسش مطرح می‌شود که: اگر مسئله عینی یک واقعیت مسلم، آشکار و رسمی است، لایه‌های زیرین واقعیت اجتماعی چگونه بوده که این مسئله محقق شده است؟ چه زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی باید دخیل باشد تا این‌گونه شود؟ (عنایت‌الله، ۱۳۹۸ش: ج ۱، ۶۵-۹۹).

برای پاسخ به سؤالات اصلی این بخش؛ طراحی سؤالات فرعی و جزئی‌تر کارگشا خواهد بود و توجه جریان‌شناس را به زوایای پنهان علل اجتماعی جلب کرده و او را با سؤال و پاسخ‌های هدفمند مواجه خواهد کرد:

- تا چه میزان می‌توان شرایط سیاسی و اقتصادی کشور را در پیدایش جریان احمداسماعیل دخیل دانست؟

- تا چه میزانی می‌توان فقر فرهنگی را در پیدایش پیدایش این جریان دخیل دانست؟

- به طور کلی نقش حوزه‌های علمیه در پیدایش این جریان چیست؟

- به طور کلی نقش منبر و خطبای جامعه در پیدایش این جریان چیست؟
- مراکز فرهنگی و تبلیغی چه نقشی در پیدایش این جریان داشته‌اند؟
- نقش مراکز مهدویت‌پژوهی در پیدایش این جریان چیست؟
- جامعه باید دچار چه چالش‌هایی شده باشد که باید شاهد پیدایش این جریان باشیم؟

۳. جهان‌بینی

گفتمان یا جهان‌بینی؛ پشتیبانی‌کننده و مشروعیت‌بخش ساختار جریان‌هاست. طبق این باور، اکنون این سؤال باید مطرح شود که؛ اگر چنین ساختارها و نهادهایی منجر به این واقعیت اجتماعی شده‌اند، آنها بر مبنای کدام جهان‌بینی شکل گرفته‌اند؟ در این سطح؛ فرض‌های استدلالی که برپایه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها قرار داشته و ناخودآگاه هستند واکاویده می‌شوند. طرح سؤالات فرعی و جزئی جریان‌شناس را در کشف جهان‌بینی جریان در مواقع پیدایش یاری کند (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷: ۱۳):

- آیا جریان منصور هاشمی خراسانی زائیده تفکر قدرت داشته باش تا زنده بمانی است؟
- آیا این جریان متأثر از باورهای کمونیستی بوده و برای کسب درآمد از طریق مکتب‌سازی به وجود آمد است؟

- آیا پیدایش این جریان نتیجه عدم تأمین نیازهای علمی و دینی مردم توسط حوزه‌های علمیه است؟

- مسئله زمینه‌سازی ظهور چه ارتباطی با پیدایش این جریان دارد؟
- آیا پیدایش این جریان نتیجه القاءات شکست پروژه ولایت فقیه است؟
- آیا بین ارتقاء سطح شوق مهدی‌خواهی مردم با پیدایش این جریان ارتباط مشخصی وجود دارد؟

۴. استعاره‌ها و اسطوره‌ها

استعارات؛ خلق معنا می‌کنند و توجه ما را به برخی شباهت‌های موجود میان دو پدیده جلب می‌کنند. گاهی نیز شباهت جدیدی خلق می‌کنند و از این رو معنای جدیدی به وجود می‌آورند. استعاره از هیچ پدید نیامده است و در حقیقت، در اسطوره‌های ناخودآگاه افراد جای دارند. به عنوان نمونه می‌توان به اسطوره یمانی و استعاره نجات توجه کرد. بسیاری از جریان‌های انحرافی در عرصه مهدویت؛ با پررنگ کردن نقش اسطوره‌ای یمانی در فضای مهدویت، دست به استعاره‌سازی زده و با توجیه وجه شباهت برای راهبر جریان، گروهی از مردم را فریب

داده‌اند.

علل گسترش جریان

کشف علل گسترش جریان در نتیجه‌گیری و حتی آینده‌پژوهی جریان حائز اهمیت است. لایه‌های پنهان در علت‌های گسترش، همان امر مغفول در جریان‌شناسی‌هاست که عموماً مورد توجه قرار نمی‌گیرد:

۱. توصیف مسئله عینی

گذشته بر این؛ نقش مسئله عینی در هر مرحله از علت‌یابی تبیین شد. در این مرحله، مسئله عینی ما صرفاً به وجود یک واقعیت اشاره ندارد، بلکه مسئله عینی را با توجه به گسترش‌یافتگی آن مورد بحث قرار داده است. به عنوان مثال اگر جریان انحرافی علی‌یعقوبی را به عنوان یک مسئله عینی مدنظر داشته باشیم، باید چنین بگوییم: «جریان یعقوبی پدیده‌ای انحرافی و در حال گسترش بوده و از تمامی ظرفیت‌های موجود، اعم از؛ رسانه، فضای مجازی، چهره به چهره و... استفاده می‌کنند».

اکنون گسترش این جریان به عنوان یک واقعیت خارجی باید توصیف شود و طبق روال؛ طراحی ریزسؤال‌ها می‌توانند ما را یاری کنند:

- مراحل رشد و گسترش جریان علی‌یعقوبی را بیان کنید؟
- عوامل تقویت‌کننده و رشددهنده این جریان چیست؟
- روش مخصوص و متمایز این جریان از سایر جریان‌ها در خصوص راهکار رشدیافتگی چیست؟
- اجزاء و روابط پنهانی دخیل در گسترش این جریان چیست؟
- شیوه‌های تبلیغی این جریان چیست و از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند؟
- مفاهیم تخریب شده در مسیر تبلیغ این جریان کدامند؟
- مفاهیم جدید و جایگزین در مسیر تبلیغ این جریان کدامند؟
- برخی اشخاص جذب شده دارای چه ویژگی هستند که این جریان را سریع‌تر از دیگر افراد پذیرفته‌اند؟

۲. علل اجتماعی

در این مرحله از علت‌یابی؛ لایه‌های زیرین گسترش یک جریان و زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی مداخله‌گر در گسترش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤالات مورد نظر در این بخش

باید ناظر به علل گسترش باشد:

- آیا مقابلهٔ شدید امنیتی، علت اصلی گسترش جریان احمداسماعیل شده است؟
- آیا کم‌کاری مقامات امنیتی علت اصلی گسترش این جریان در جامعه است؟
- آیا کم‌کاری حوزه‌های علمیه در وظیفه روشننگری (در بدو آغاز حرکت این جریان) علت گسترش بده است؟
- آیا علت گسترش این جریان بزرگ‌نمایی فعالان و منتقدین جریان بوده است؟
- آیا استفاده از ابزارهای نوین تبلیغی علت گسترش این جریان بوده است؟
- نقش منابع مالی در گسترش این جریان چقدر بوده است؟
- آیا استفاده بی‌شمار از روایات در تبلیغ این جریان، علت گسترش آن شده است؟

۳. جهان‌بینی

قبلاً به این مسئله اشاره شد که گفتمان یا جهان‌بینی؛ پشتیبانی‌کننده و مشروعیت‌بخش ساختار است. اگر چنین ساختارها و نهادهایی منجر به این واقعیت اجتماعی شده‌اند، آنها بر مبنای کدام جهان‌بینی شکل گرفته‌اند؟ در این سطح فرض‌های استدلالی که برپایه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها قرار داشته و ناخودآگاه هستند واکاویده می‌شوند. اکنون همین امر در جهت علل گسترش جریان باید مورد توجه قرار گیرد. گاهی جریان‌ها در بدو تولد از جهان‌بینی و عوامل مشروعیت‌بخش برخوردار نیستند اما بعدها همین امر را در علل گسترش آن مشاهده می‌کنیم. برخی از سؤالات مدنظر در این بخش این‌گونه خواهد بود (محمدی هوشیار، ۱۴۰۰ش: ۳۶):

- انتخاب دفتر مرکزی جریان احمداسماعیل در نجف و برگزیدن عنوان «مکتب نجف» چه تأثیری در مشروعیت‌بخشی و گسترش این جریان داشته است؟
- راه‌اندازی موبکب خدمت و تبلیغ در مسیر اربعین حسینی تا چه میزان در گسترش این جریان مؤثر بوده است؟
- انتخاب پرچم و نام البیعة لله تا چه میزان در گسترش این جریان تأثیر داشته است؟
- جذب برخی از طلاب حوزه به این جریان، تا چه میزان در مشروعیت‌بخشی و گسترش این جریان تأثیر داشته است؟

۴. استعاره‌ها و اسطوره‌ها

توجه به این نکته که استعارات؛ خلق معنا می‌کنند و توجه ما را به برخی شباهت‌های

موجود میان دو پدیده جلب می‌کنند، بسیار ضروری است. یکی از کلیدی‌ترین مراحل کشف تأثیرات استعاره و اسطوره‌ها در جریان‌ها، بررسی علل گسترش آن است. به عنوان مثال می‌توان به بهره‌مندی جریان منصور هاشمی خراسانی از اسطوره منجی‌گری، استعاره عدالت‌گستری یاد کرد که این دو منجر به گسترش جریان شده است.

علل گرایش به جریان

همواره یکی از سؤال‌های مطرح در سطح جامعه این است که چرا مردم به جریان‌های انحرافی مهدویت گرایش می‌یابند؟ پاسخ به این سؤال باید باتوجه به مسئله عینی باشد و توصیف آن نیز متناظر با گرایش مردم به جریان انجام می‌شود.

۱. توصیف مسئله عینی

مسئله عینی ما در این بخش می‌تواند این‌گونه باشد: برخی از اقشار مذهبی جامعه در شهرهای مختلف ایران، عراق و... به دعوت انحرافی احمداسماعیل گرایش پیدا کرده و خود را انصار احمداسماعیل نامیده‌اند. سؤالات فرعی و جزئی این بخش باید با توجه به گرایش مردم به جریان طراحی شود:

- جامعه هدف احمداسماعیل چه قشری است؟
- در بین اقشار کدام قشر به این جریان علاقه بیشتری نشان داده‌اند؟
- آیا گرایش به احمداسماعیل، گرایشی اعتقادی است یا به عنوان یک ابزار برای نیل به اغراض مختلف است؟
- محرک‌های گرایش به جریان احمداسماعیل کدامند؟
- میزان پافشاری پیروان احمداسماعیل به جریان تا چه میزان است؟
- آیا مشکلات روانی یا اخلاقی در گرایش به این جریان نقش دارند؟
- نگاه پیروان احمداسماعیل به مخالفین چگونه است؟

۲. علل اجتماعی

در کشف علل گرایش مردم به جریان‌ها، توجه به مؤثرین اجتماعی ضروری است. در این مرحله باید به دنبال علت‌هایی باشیم که مردم جامعه را از جامعه بزرگ جدا کرده و عضو جامعه کوچک فرقه‌ای می‌کند (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷ الف: ۴۵):

- ارتباط بین میزان درآمد و سطح معیشت مردم با سرخوردگی اجتماعی به وجود آمده و گرایش به جریان‌ها تا چه میزانی است؟

- نقش نیاز و احساس تعلق در گرایش به جریان‌ها چیست؟
- نقش مشکلات خانوادگی و نیاز افراد به فرار از واقعیت در گرایش به جریان‌ها چیست؟
- نقش بیماری‌های روحی و روانی و انزوا و عدم تطابق اجتماعی در گرایش به جریان‌ها تا چه میزان است؟
- نیاز به کسب تجربه‌های غیرمعمول از قبیل مکاشفات و تشرفات در گرایش به جریان‌ها چقدر بوده است؟

۳. جهان‌بینی

- جهان‌بینی و عوامل مشروعیت‌بخش، نقش مهمی در گرایش مردم به جریان‌ها دارند. باید دید؛ چه عواملی منجر به گرایش یک فرد به یک جریان انحرافی در عرصه مهدویت وجود داشته که برای او مشروعیت‌بخش بوده است. چند سؤال مطرح در این خصوص این‌گونه باید باشد:
- آیا گرایش به جریان کاظمینی بروجردی به خاطر دهن‌کجی به قوانین حاکم در ایران است؟
- آیا گرایش به این جریان نتیجه تولید مفاهیم انبوه توسط فضلالی جامعه و خستگی مردم از دین است؟
- آیا گرایش به این جریان نتیجه القاء باور دور شدن انقلاب اسلامی از مسیر مهدویت است؟
- آیا می‌توان گرایش به این جریان را واکنشی در برابر کنش‌هایی مانند ظلم و اختلاس و .. دانست؟

۴. استعاره‌ها و اسطوره‌ها

همان‌طور که توضیح داده شد؛ استعاره و اسطوره؛ خلق معنا کرده و از کنار هم قرار دادن آنها، معنای سومی را متولد می‌کند. در این خصوص می‌توان به شعار «بازگشت به اسلام» در جریان منصور هاشمی خراسانی اشاره کرد. این استعاره توانایی آن را دارد تا تمامی مفاهیم تولید شده در عصر غیبت امام مهدی عج را تخریب کرده و انسان امروز را به انسان گذشته پیوند بزند. در این مرحله؛ تشبیه مخاطب به شخصیت‌های مثبت تاریخی همان اسطوره‌های بر ساخته هستند که گرایش مخاطب به جریان را سرعت می‌بخشد.

فرآورده بحث

همان‌طور که در آغاز بحث گفته شد؛ اولین گام در جریان‌شناسی، جریان‌یابی و تشخیص

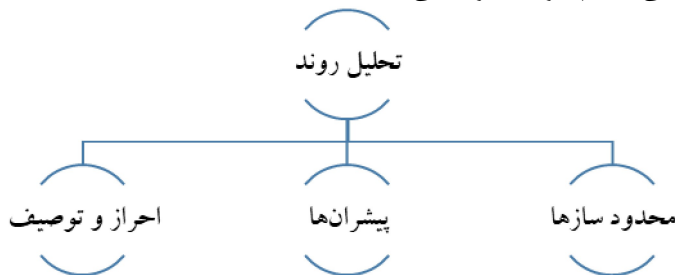
آن از جریان‌نماهاست. پس از تحقق این مرحله؛ جریان‌شناس وارد دومین مرحله از چرخه جریان‌شناسی شده و علت‌یابی و تحلیل علت را در سه بخش: ۱. علل پیدایش جریان؛ ۲. علل گسترش جریان؛ ۳. علل گرایش به جریان آغاز می‌کند. پس از شناخت علت‌ها و زوایای پنهان آن؛ اکنون باید سراغ شناخت معلول‌ها و سیر تکاملی آن برود تا با کنار هم قرار دادن هر دو بخش؛ نتیجه و ارزیابی صحیحی از جریان مورد نظر داشته باشد. مهم‌ترین فرآورده این مرحله؛ نحوه استخراج سؤالات روش‌مند، با هدف علت‌یابی است.

روندپژوهی

اکنون که جریان‌شناس به این مرحله از جریان‌شناسی رسیده است، مسئله عینی را از جهت روند جریان به عنوان یک معلول و واقعیت رو به تکامل یا رو به افول مورد بررسی قرار می‌دهد. این مرحله از جریان‌شناسی براساس نظریه «تحلیل روند و تحلیل تأثیر بر روند» (با تغییر و اضافه) انجام می‌شود.

۱. تحلیل روند جریان

روند؛ یعنی تغییر و توسعه به سمت یک چیز جدید و متفاوت. روند نشان می‌دهد که یک موضوع اجتماعی یا مفهوم خاص، به سمت جایگاه و گرایش خاصی میل و گرایش داشته و این گرایش در یک برهه زمانی تداوم داشته است (شیخ الاسلامی، ۱۴۰۰). تحلیل روند یک جریان می‌تواند در سه مرحله اساسی انجام شود (قدیری، بی‌تا: ۲۳-۴۴):



احراز و توصیف روند

توصیف روند؛ باید با سه نگاه «توصیف وضعیت موجود، رویکرد، استقرار» به جریان انجام شود. سؤالات این بخش بهترین ابزار برای توضیح چگونگی احراز و توصیف روند خواهند بود (محمدی هوشیار، ۱۳۹۶ش: ۷۰):

الف) توصیف وضعیت موجود

- آیا جریان محمد ناصر الیمانی تمامی پیروان خود را اقناع قطعی (از بعد جامعه‌شناختی - اعتقادی - سیاسی) کرده است؟
- آیا روند این جریان به سمت یک حالت پایدار است؟ تا چه مدت به این حالت می‌رسد؟
- آیا این جریان هدف دار است؟ آیا به اهداف دست‌یافته است؟
- روند این جریان با کدام جریان قابل مقایسه است؟
- در حال حاضر آیا این جریان رقیب سرسختی به صورت موازی دارید؟
- آیا روند حاضر؛ نشانگر علت و معلول در ارتباط با رویکردهاست یا تصادفی بوده و در اثر یک امر غیرمنتظره محقق شده است؟

ب) توصیف رویکرد جریان

- آیا رویکردی که بر پایه آن، این روند ایجاد شده است پایه منطقی دارد؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن، این روند ایجاد شده است بر تأمین نیاز ذی‌نفعان تمرکز دارد؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن این روند ایجاد شده است از راهبرد پیش‌بینانی می‌کند؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن این روند ایجاد شده است دارای نوسان است یا پایدار می‌باشد؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن این روند ایجاد شده است خلاقانه و جدید است؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن این روند ایجاد شده است انعطاف‌پذیر است؟

ج) توصیف حالت استقرار

- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است به تمامی اهداف خود دست یافته است؟
- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است نظام یافته و سیستماتیک است؟
- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است به دنبال تشکیل حکومت است؟
- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است امکان موفقیت برای

تشکیل حکومت دارد؟

- درصد موفقیت این جریان با روند پیش رو، در کدام کشور بالاتر است؟
- درصد موفقیت این جریان با روند پیش رو، در کدام شهر یا استان ایران بالاتر است؟
- درصد موفقیت این جریان با روند پیش رو، در بین کدام قشر از مردم بالاتر است؟

پیشران‌ها و عوامل جلو برنده

بررسی عوامل جلو برنده و پیشران‌های یک جریان حائز اهمیت است. جریان‌شناس وقتی قادر به ارزیابی دقیق از یک جریان خواهد بود که بتواند در بررسی و شناخت پیشران‌های یک جریان دقیق و حرفه‌ای عمل کند. در این بخش؛ کشف پیشران، مانند پیشران‌های علمی، سیاسی، مالی، سرویس‌های جاسوسی، شخصیت‌ها و جریان‌های همسو بسیار مهم است.

محدودسازها و موانع محیطی

همان‌طور که کشف پیشران‌ها برای ارزیابی یک جریان اهمیت دارد، کشف محدودسازها و موانع محیطی نیز در شناخت جریان در خدمت جریان‌شناس خواهد بود. در این مرحله می‌توان سؤالاتی را طراحی کرد تا براساس آن به پاسخ دقیق دست یابیم:

- مانع جدی رشد و گسترش جریان بهائیت چه می‌تواند باشد؟
- آیا برخورد نظامی یا امنیتی مانع موفقیت برای محدودسازی گسترش این جریان بوده است؟

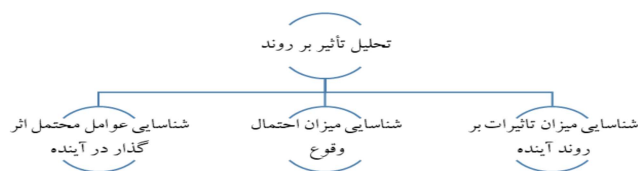
- آیا اعلام انحراف این جریان از سوی مراجع تقلید می‌تواند مانع مناسبی برای این جریان باشد؟

- مناسب‌ترین مانع جهت جلوگیری از رشد این جریان چیست؟
- آیا می‌توان این جریان را با برخورد امنیتی کنترل کرد؟ تا چه مدت و تا چه میزان؟
- آیا قانونی برای مواجهه با چنین جریان‌هایی وجود دارد؟
- آیا آزاد گذاشتن این جریان برای تبلیغ در ایران به مصلحت کشور است؟

تحلیل تأثیر بر روند

تفاوت تحلیل بر روند و تحلیل تأثیر بر روند در این است که در تحلیل روند؛ تنها به برون‌یابی داده‌ها اکتفاء می‌شود که به مدل‌های مختلفی از جمله؛ تحلیل روند تاریخی، تحلیل محتوا، تحلیل الگوی دوره‌ای و استفاده از اندیشه‌های کارشناسی مانند دلفی انجام می‌شود. اما در تحلیل تأثیر بر روند به احتمالات پرداخته می‌شود (عباسی، همایش ملی آینده‌پژوهی: ۱۳۹۳). در این مرحله؛ جریان‌شناس باید در سه عنوان تمرکز داشته و به نتایج احتمالی دست

یابد:



۱. شناسایی عوامل محتمل اثر گذار در آینده

تخمین شرایط و حالت جریان، یکی دیگر از وظایف جریان شناس به شمار می‌رود. در این مرحله؛ تمامی احتمالات روی میز قرار می‌گیرد و جریان شناس را یاری می‌دهد تا برای هر کدام از احتمالات و فرضیه‌ها پاسخ داشته باشد:

- آیا اختلافات درون سازمانی جریان احمداسماعیل بر افول جریان اثر خواهد گذاشت؟
- آیا احتمال آن می‌رود که در صورتی که این جریان گسترش یافت آن را به صورت یک مذهب رسمی در ایران تلقی کرد؟
- آیا احتمال آن می‌رود که این جریان را به عنوان یک اندیشه تلقی کرده و آن را در چارچوب قوانین اندیشه دید؟
- آیا مخالفت دولت عراق با جریان احمداسماعیل و پلمپ دفتر مکتب نجف در ادامه جریان تأثیر خواهد داشت؟
- اعلام موجودیت عبدالله هاشم به عنوان مهدی چهاردهم چه تأثیری در جریان خواهد داشت؟

- آیا جریان مقتدی صدر می‌تواند به یکی از مخالفین جدی این جریان تبدیل شود؟
- آیا جریان مرسوم می‌تواند به یکی از مخالفین جدی این جریان تبدیل شود؟
- آیا جریان صرخی می‌تواند به یکی از مخالفین جدی این جریان تبدیل شود؟
- آیا مخالفت آیت‌الله سیستانی با این جریان می‌تواند در افول جریان تأثیر بگذارد؟
- در بین جریان‌های موجود در عراق، میزان موفقیت کدام یک در مبارزه با این جریان بالاست؟
- نقش منتقدین این جریان از جنبه پیشرانی یا محدودسازی جریان چیست؟

۲. شناسایی میزان احتمال وقوع

میزان احتمال وقوع با عوامل محتمل تاثیرگذار تفاوت دارد. در این مرحله با ابتناء بر وقوع احتمال، درباره میزان احتمال وقوع و درصدبندی‌های آن صحبت به میان می‌آید:

- احتمال رسمی شدن کرسی تدریس پیروان احمد اسماعیل در قم و مشهد و سایر حوزه‌ها تا چه میزان است؟
- میزان دستیابی این جریان به اهداف اصلی‌اش را تا چه میزان احتمال می‌دهید؟
- میزان احتمال اقدامات نظامی این جریان را چگونه برآورد می‌کنید؟
- آیا احتمال درگیری و منازعات علمی طلاب در سطح فیضیه و مدارس علمیه وجود دارد؟
- درصد احتمال همکاری این جریان با سایر جریان‌های معارض با نظام اسلامی چقدر است؟

۳. شناسایی میزان تأثیرات بر روند آینده

- در این مرحله، از میزان احتمال وقوع گذر کرده و درباره میزان تأثیرات بر روند آینده صحبت به میان خواهد آمد. سؤالات این بخش می‌تواند این گونه باشد:
- چند درصد احتمال دارد که این جریان افول کرده یا به کلی مختومه گردد؟
- چه عواملی ممکن است در رشد و پایداری این جریان مؤثر باشد؟
- چه عواملی ممکن است در ناپایداری این جریان مؤثر باشد؟

فرآورده بحث

روندپژوهی، مرحله مهمی از جریان‌شناسی است که امکان شناخت آینده جریان را فراهم نموده و با بررسی دو گام مهم (تحلیل روند و تحلیل تأثیر بر روند)، پروسه جریان‌شناسی را کامل می‌نماید. در این مرحله، اهداف و استراتژی جریان مورد مطالعه قرار گرفته و دستگاه‌های مواجهه‌کننده را از میزان خطرات جریان مذکور آگاه می‌نمایند. مهم‌ترین فرآورده این مرحله؛ نحوه استخراج سؤالات روش‌مند، با هدف روندپژوهی است.

نتیجه‌گیری

جریان‌شناسی به عنوان یک علم، نیازمند چارچوب‌ها و اصول روش‌شناختی منظم و علمی است تا از انحرافات و سهل‌انگاری‌ها جلوگیری کرده و به جریان‌شناس کمک کند که در فرآیند تحلیل، به درستی به نتایج علمی و معتبر دست یابد. در بسیاری از مواقع مشاهده می‌شود که پژوهشگران بدون رعایت ضوابط و قواعد تخصصی جریان‌شناسی وارد این عرصه می‌شوند و در نتیجه به تحلیل‌های غیرمعتبر و ناموثق دست می‌یابند که می‌تواند به کلیت تحقیق آسیب برساند.

تعداد زیادی جریان در سطح جامعه وجود دارد که هرکدام ویژگی‌ها و ابعاد خاص خود را

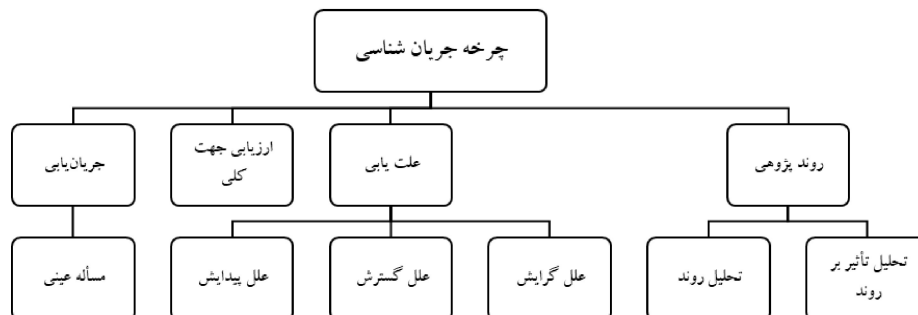
دارند، اما مهم این است که از میان این جریان‌ها، تنها برخی از آنها در حوزه تحقیقاتی جریان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این راستا، ضروری است که پژوهشگر قادر باشد از میان ده‌ها یا حتی صدها جریان موجود، جریان مورد نظر خود را شناسایی کرده و آن را به‌طور دقیق ارزیابی نماید. این امر به خودی خود مستلزم یک روش‌شناسی دقیق است که در پژوهش حاضر به‌طور اجمالی به آن پرداخته شده است.

هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگویی برای ارزیابی جریان‌هاست، به‌طوری‌که جریان‌شناس بتواند با رعایت اصول علمی، جریان‌های مورد نظر را شناسایی و تحلیل کند. البته در این پژوهش به‌طور مفصل به روش‌شناسی پژوهش و شیوه‌های مختلف آن پرداخته نشده است، بلکه در این جا تمرکز بر این بوده که جریان‌شناس از چه رویکردهایی باید برای شناسایی و ارزیابی جریان‌ها استفاده کند.

در چارچوب روش‌شناسی ارائه‌شده، چهار رکن اساسی وجود دارد: جریان‌یابی، ارزیابی جهت‌گیری کلی جریان، علت‌یابی و روندپژوهی. هرکدام از این ارکان، نقش مهمی در صحت و دقت نتایج نهایی دارند. در فرآیند جریان‌یابی، شناسایی و تعیین جریان‌های اصلی از میان انبوهی از جریان‌ها، اولین و اساسی‌ترین گام است. ارزیابی جهت‌گیری کلی جریان نیز به‌منظور فهم جهت‌گیری اصلی و حرکت جریان‌ها در فضای اجتماعی و سیاسی ضروری است. در مرحله علت‌یابی، پژوهشگر باید به تحلیل دقیق و علمی ریشه‌های جریان‌ها پرداخته و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش آنها را شناسایی کند. به‌ویژه در این مرحله باید لایه‌های پنهان و پیچیده علت‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا تمامی ابعاد جریان از زاویه‌های مختلف تحلیل شود.

در نهایت، در مرحله روندپژوهی، جریان‌شناس باید روند تغییرات و تحولات جریان‌ها را طی زمان مورد بررسی قرار داده و این تحولات را در چارچوب هدف‌های مشخص و با استفاده از روش‌های علمی دقیق پیگیری نماید. در این مرحله، طراحی سؤالات جزئی و دقیق برای هر مرحله از تحلیل اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه این سؤالات می‌توانند به‌طور مؤثری به کشف روابط پیچیده بین علل و نتایج کمک کنند و پژوهشگر را به‌طور پیوسته به اهداف اصلی تحقیق هدایت نمایند.

در مجموع، رعایت این ارکان اصلی و توجه به ابعاد مختلف تحلیل‌های جریان‌شناختی باعث خواهد شد که پژوهشگران قادر به انجام تحقیقات عمیق و معتبر در این حوزه باشند و از نتایج علمی‌تری برخوردار شوند که نه تنها به فهم دقیق‌تری از جریان‌ها منجر شود، بلکه بتواند در توسعه نظریه‌های اجتماعی و سیاسی نیز نقشی مهم ایفا کند.



منابع

۱. ابراهیم‌پور، علی (۱۳۹۸ش)، «روش‌شناسی جریان‌شناسی به مثابه دانشی میان رشته ای مبتنی بر پارادایم علم اسلامی»، فصل‌نامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره ۱۶.
۲. پارسانیا، حمید (۱۴۰۰ش)، جریان‌شناسی اندیشه معاصر ایران، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۳. پورنامداریان، تقی؛ طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۵ش)، فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء ع.ا.ه..
۴. تقوی، مصطفی (۱۳۹۶ش)، روش‌شناسی تخمین اطلاعاتی، تهران: افق راهبری.
۵. جلالی‌وند، عباس (۱۳۹۳ش)، مقدمه‌ای بر تحلیل روند، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸ش)، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵ش)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۴۰۰ش)، «تحلیل روندها و پیشران‌های مؤثر بر شبکه‌های اجتماعی آینده»، فصل‌نامه مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۲۷.
۹. عباسی، علی‌اصغر (۱۳۹۳ش)، تحلیل تأثیر روند در آینده پژوهشی، تهران: سومین همایش ملی آینده‌پژوهی.

۱۰. عطااللهی، فاطمه (۱۳۹۵ش)، «آینده پژوهی با استفاده از تکنیک پویش محیطی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، شماره ۲۱.
۱۱. عنایت الله، سهیل (۱۳۹۸ش)، *تحلیل لایه ای علت ها*، قم: مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۲. قدیری، روح الله (بی تا)، *بررسی و شناخت روش های مطالعه آینده*، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۳. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۶ش)، *جریان شناسی انحراف در احمد بصری*، قم: مرکز تحقیقات کاربردی ویژه روحانیت.
۱۴. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۷ش «الف»)، *نقد و بررسی جریان های مدعی معنویت*، قم: معاونت تبلیغ حوزه های علمیه.
۱۵. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۷ش «ب»)، *پرچم های تاریکی*، قم: اندیشکده مهدوی نشر جمکران.
۱۶. محمدی هوشیار، علی (۱۴۰۰ش)، *درسنامه نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل*، قم: تولی.
۱۷. محمدی هوشیار، علی (۱۴۰۲ش)، «هم سنجی روش مواجهه اندیشه ای تبلیغ در معنویت های نوظهور با اسلام، با تکیه بر مفهوم هویت»، *فصلنامه معنویت پژوهی اسلامی*، شماره ۱.
۱۸. یزدان پناه، سید یدالله (۱۳۸۸ش)، *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم: مؤسسه امام خمینی رحمه الله علیه.